

زنده باد اول مه، روز جهانی کارگر

پایان جهنم کاپیتالیست میسر است

حزب حکمتیست (خط رسمی)

امسال طبقه کارگر در سراسر جهان در شرایطی اول ماه مه، روز جهانی خود را برگزار میکنند، که در ابعاد میلیاردي، ناگهان و در مدت کمتر از چند هفته از «جهنم» زندگي بردگي مزدی، پا به «برزخ» و میدان جنگ مرگ و زندگي و تلاش برای بقا، در «جدال جهانی با کرونا» گذاشت.

ناگهان و طی کمتر از یک ماه، یک اپیدمی بسادگی قابل پیشگیری و قابل کنترل، کل طبقه کارگر جهانی، از آسیا تا آفریقا و اروپا و آمریکا، از پر ازدحامترین جغرافیاها تا حاشیه‌ترین‌ها، و کل شهروندان جهان را به جنگ مرگ و زندگي و تلاش برای بقا، به هر قیمت و به هر شکل، کشاند! جنگی که، قربانیان بی‌شمار آن، نیروی کارکن، طبقه کارگر و ضعیف‌ترین حلقه‌های شهروندان جوامع انسانی است. جنگی که نه تنها رنگ «مرگبار» خود را بر زندگي و سلامت طبقه کارگر جهانی زد، که همراه آن و به وسعت کره خاکی، عفونت نظام کاپیتالیستی و تناقض ماهوری آن با حیات بشر و محیط زیست، را چون مواد مذبذب از دهانه آتشفشان جوامع بشری به بیرون پرتاب کرد!

ناگهان در گرماگرم قربانی شدن شهروندان بی‌گناه و بی‌تامین در سراسر جهان، در قلب جهان «متمدن» در غرب و در جوامع «گل سرسبد» کاپیتالیسم، تمام پرده‌های ریا و فریب و دروغ و تحمیق نظام، دریده شد. خرافه‌ها از «اختیار مردم» در نظام «دمکراسی پارلمانی» تا جایگاه «حقوق بشر» در دستگاه فکری طبقه حاکم، چون کلاه شعبده‌بازها محو شد!

معلوم شد از آمریکا تا اروپا، از خاورمیانه و آسیا تا آفریقا و چین و استرالیا و ... تامین حداقلی از سلامت شهروندان، با رشد و گسترش و کارکرد نظام اقتصادی موجود، در تناقض است! ... صفحه ۲

ST
WORKERS' DAY
INTERNATIONAL
MAY

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

HEKMATIST.COM

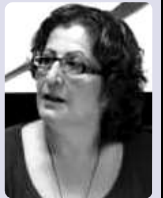
هفتگی ۳۰۴

حکمتیست

۲۳ آوریل ۲۰۲۰ - ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹
پنجشنبه‌ها منتشر میشود

شورشی به طعم خشم و به بوی دود و آتش

آذر مدرسی



هنوز بحران کرونا به پایان نرسیده و جامعه بشری تاثیرات آن را تماما بر زندگي و حیات خود لمس نکرده است. اما همین درجه از تاثیرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن، ... صفحه ۳

در دفاع از نان؛

در دفاع از کرامت انسانی!

مصطفی اسدپور صفحه ۴



دوره‌می کرونایی اپوزسیون راست

فواد عبداللهی



استقامت و پیگیری اپوزسیون راست به رهبری ترامپ برآستی دیدنی است؛ تلاش اینها ... صفحه ۵

چرا دوران کرونایی امروز، بشریت

را به انقلاب علیه وضع موجود

فرا میخواند؟ محمد فتاحی صفحه ۶



هراس از شورش گرسنگان!

مظفر محمدی

جمهوری اسلامی در هراس از شورش گرسنگان، ماشین اعدام و قتل زندانیان و بازداشت فعالین کارگری و مردمی را مجددا راه انداخته است. ... صفحه ۷



آزادی برابری حکومت کارگری

در قلب پیشرفته‌ترین نظام‌های بورژوازی، طبقه حاکم حاضر نیست به قیمت قربانی کردن هر روزه شهروندان، به بهای قربانی شدن بیماران و سالمندان و حتی کادر درمانی، بسرعت خط تولید کالای بهداشتی، لباس و ماسک و دارو... ایجاد کند! حاضر نیستند برای تامین وسایل مورد نیاز امروز بشر برای نجات او از مرگ، سرمایه‌گذاری بلند مدت کنند! چرا که جان انسان، کالای نامرغوبی برای معامله در بازار است! حفظ و سلامت آن ارزش «خرج کردن» و سرمایه‌گذاری بلند مدت و تامین مالی زیرساخت سلامت و بهداشت، ندارد. در این اقتصاد انگلی جان انسان و حفظ سلامت طبیعت تنها تا آنجا که بتواند آن را مورد بهره‌کشی سریع و ارزان قرار داد، ارزش دارد. این را شعور متوسط جوامع امروزی به روشنی می‌بیند! کاپیتالیسم را نمی‌خواهد! خدایی آن، انقیاد خود به آن، و سلطه بلامنزاع آن را پس می‌زند!

این سیر اضمحلال جهانی کاپیتالیسم، با اقتصاد انگلی و مخرب آن، با روینای سیاسی پوسیده آن، با ارزش‌ها و ایدئولوژی و فرهنگ متعفن آن، می‌تواند به فرمان طبقه کارگر، با پیروزی طبقه کارگر، برای رهایی بشریت، به پایان برسد. اول مه، روز جهانی کارگر امسال و در دل جدال جهانی این طبقه با کرونا، در دل شکست کاپیتالیسم، در همه ابعاد سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی آن، شکستی که محصول تناقض هولناک آن با ابتدایی‌ترین نیاز بشر برای حفاظت در مقابل یک اپیدمی است، باید راه‌کار طبقه کارگر، پاسخ طبقه کارگر را در مقابل بشریت قرار دهد. باید سوسیالیسم، که نیاز به آن، که نیاز به فراخوان آن در هر دم و بازدم زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهان در جدال با کرونا هر روز بیش از پیش احساس میشود، قد علم کند! اول مه امسال طبقه کارگر جهانی نیازمند بلند کردن پرچم خود، پرچم اقتصاد سوسیالیستی، تولید برای رفع نیاز انسان و نه برای سود و نیاز بازار، است. اگر جهان دست ما باشد! اگر دست طبقه کارگر باشد! اگر دست نیروی کارکن باشد، اگر در دست تولیدکنندگان واقعی باشد، که امروز همه ارزش و اهمیت آن را در طپش روزانه زندگی حس میکنند، این اپیدمی و عواقب گسترش فقر و فلاکت و بیکاری و ... آن را میتوان فوراً متوقف کرد!

میتوان مردم و شهروندان را در مقابل آن حفظ کرد! میتوان تولید برای تامین کالاهای مورد نیاز در شرایطی امن، را راه اندازی کرد! میتوان همه ذخایر و منابع صنعتی و مالی و دانش و علم و طب را برای حفظ سلامت جامعه به کار انداخت. میتوان خطوط تولید محصولات نا لازم، از تسلیحات نظامی تا سایر محصولات مضر برای زندگی بشر را به تولید برای رفع نیازهای سلامتی و رفاه و بهبود همگان تبدیل کرد! میتوان برای نجات زندگی هر تک بشری، منابع کافی تامین کرد! میتوان سلامت، رفاه و نجات زندگی میلیاردها انسان را به اولویت جامعه بشری تبدیل کرد. این کار شدنی است! اگر جهان در دست طبقه کارگر باشد!

اول ماه مه امسال، میتواند فراخوان پایان جهنم کاپیتالیسم، با پرچم سوسیالیسم، باشد! برافراشتن این پرچم امروز و در دل این تراژدی جهانی، شدنی است!

زنده باد اتحاد جهانی طبقه کارگر
زنده باد سوسیالیسم
حزب حکمتیست (خط رسمی)
۳ اردیبهشت ۹۹ - ۲۲ آوریل ۲۰۲۰

همه چیز فدای سودآوری، این «آیه آسمانی» خدای سرمایه، بنحو زنده‌ای خودنمایی کرد! همه زیر نورافکن دیدند که از قرنیه چشم تا کلیه، از آخرین رمق‌های کارگر زیر چرخه تولید ۱۲ و ۱۵ ساعته تا خانواده و کودک و رابطه جنسی، از سلامت تا آب و هوای سالم و طبیعت زنده و مرده، چیزی بیش از کالاهایی برای خرید و فروش سود و سودآوری نیستند. چهار ستون عمارت عظیم و تاریخی دمکراسی و انتخابات و صندوق رای و دولت و مجلس و «بیزینس» و «کمپانی» و «کارآفرین» و «شرکت» و شخصیت‌های تکیه زده به این ارکان قدرت، همه و همه در دل «بحران کرونا» به لرزه در آمد! طبقه کارگر جهانی، در بطن جدال مرگبارش با کرونا، و تحمل مرگ و میر و بیکاری و فقر و پیامد آن، یک حقیقت تلخ تاریخی را چون پتکی بر سر بشریت فرود آورد!

این حقیقت که «کرونا» نه یک فاجعه طبیعی و اپیدمی غیرقابل مهار، که زهر کشنده نظام پوسیده و گندیده سرمایه داری است که هر روز و هر لحظه از حیات آن با زندگی بشر، با سلامت محیط زیست، با نیازهای انسان در تناقض است! این حقیقت که بحران جاری، نه یک بحران «پزشکی» و محصول نادانی یا ناتوانی بشر، نه کار خدا و طبیعت، که کار اقلیت انگلی حریص و طمعکار متکی به نظام و سیستمی است که در آن همه چیز کالا است و قابل خرید و فروش در بازار! که تولید محصولات و علم و اخلاق و ارزش و فرهنگ و سیاست، نه برای رفع نیازهای مادی و روحی و سلامتی بشر، که تنها و تنها بمنظور تامین سود دائمی افزاینده است!

«بحران کرونا» همه پرده‌های ساتر تاریخی، سیاسی، ایدئولوژیکی و فرهنگی بورژوازی جهانی را کنار زد! در بطن این تراژدی عظیم جهانی، از چین و آمریکا، تا ایران و فرانسه و بریتانیا، ناگهان چشمان جهانیان به نحو برق آسایی به این حقیقت که کاپیتالیسم و اقتصاد متکی به بهره‌کشی انسان از انسان، متکی به روابط تولیدی که در آن فقر و محرومیت و بردگی مزدی اکثریت میلیاردری کره خاکی، شرط کارکرد چرخه تولید است! که در آن «رشد اقتصادی» تنها و تنها با فقر و محرومیت و فروش تمام و کمال جان و سلامت انسان و محیط زیست در بازار بهره‌کشی خرید و فروش کالایی ممکن است و ایجاد کمترین امکانات حفظ سلامت شهروندان، جایی در محاسبات اقتصادی و تولیدی ندارد، باز شد! طبقه کارگر جهانی، از ایران با حکومتی پوسیده مذهبی متکی به دستگاه رسمی و علنی سرکوب که شهروند آن حتی از «حقوق احشام» در جهان امروز هم برخوردار نیست، تا «بریتانیای کبیر» و آمریکای امپریالیست و فرانسه مهد فرهنگ و هنر و «مهد دمکراسی پارلمانی»، و هندوستان و چین «بهشت سرمایه» متکی به خفقان و ارزانی نیروی کار میلیاردری، ظرف مدت کوتاه چند هفته‌ای، واقعیت هیولای حاکم بر زندگی میلیاردها بشر کره خاکی، واقعیت اقتصاد کاپیتالیستی و بازار آزاد آن، را برهنه کامل در مقابل جهانیان قرار داد.

ارزش و اهمیت کالاهای مورد نیاز بشر، چون تست پزشکی و ماسک و دارو و وسایل بهداشت و سلامت و طب و علم مورد نیاز بشر، ارزش و جایگاه نیروی کار در تولید و در حیات روزمره جهانیان، در دل جدال دردناک و مرگبار بشریت با «کرونا»، همه ارزش‌های بورژوازی که قرن‌ها برای تحمیل آن خرج شده بود، همه شخصیت‌ها و «قهرمانان» سیاسی و اقتصادی و بازرگانی نظام را به حاشیه پرت کرد. بی‌اعتمادی مطلق به قدرت‌های حاکم، بی‌اعتباری و نامربوطی آنها به حفظ سلامت زندگی شهروندان جهان، حفظ سلامت طبقه کارگر و کارکنان جامعه که نظامشان به بقا و تداوم استثمار و بردگی مزدی آن زنده است، پایه‌های کاپیتالیسم در بعد جهانی را به لرزه در آورده است.

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

وقفه ای که این بحران در مبارزه بر سر رفاه، امنیت و آزادی ایجاد کرده بود را به سرعت پشت سر میگذارد. امروز میلیونها نفر دیگر به خیل عظیم فقرا و محرومین که پیش از «کرونا» هم با فقر و ناداری و بیکاری دست و پنجه نرم میکردند، اضافه شده است. میلیونها نفری که علاوه بر معیشت با معضل سلامت، تامین بهداشت، سوء استفاده دولتها از «بحران کرونا» در محدود کردن آزادیهای مدنی و برای مقابله با خیزشهای اجتماعی روبرو اند. «بحران کرونا» اگر برای مدتی کوتاه وقفه ای در اعتراضات و خیزشهای اجتماعی علیه نابرابری و تبعیض و برای رفاه و آزادی، انداخت، امروز همان خیزشها را با قدرت، خشم و نفرت، با گستردگی و عمق بسیار بیشتری در مقابل حاکمین در سرتاسر جهان قرار داده است. مردم از حالا و در دل بحران کرونا خود را برای تقابل های بنیادی با حاکمین و سیستم آماده میکنند. معترضین در فرانسه به حق اعلام کرده اند باید برای «شورش‌ی به طعم خشم و به بوی دود و آتش» آماده شد!

حتی میدیای رسمی دیگر از «فاجعه همگانی»، «ویروس دمکرات»، «همه با هم در این جدال قربانی می‌دهیم» و «کرونا طبقاتی نیست» نمیگویند، برعکس از ابعاد فاجعه در میان مردمی که سالها است در فقر و بی امکاناتی به سر میبرند، از تاثیرات تعرضهای پی در پی به معیشت مردم، به دستمزدها و بیمه بیکاری تا قطع خدمات پزشکی و بهداشتی، از مقایسه بودجه های نظامی و پزشکی و ... از تاثیرات منفی «خانه نشینی اجباری میلیاردها نفر و آغاز موج نارضایتی و حتی شورش علیه وضعیتی که پایانی بر آن متصور نیست»، از هشدار و آمادگی دستگاههای اطلاعاتی دولتها برای مقابله با شورش گرسنگان و عصیان مردم به تنگ آمده از فقر و نا امنی، میگویند. بوی دود و آتش و خشم پائینی ها به مشام همگان رسیده است. خشم و خیزشهایی که قبل از بحران کرونا سراسر جامعه بشری را از ایران، عراق و لبنان تا فرانسه و مکزیک و بولیوی و ... در بر گرفته بود، امروز یکی بعد از دیگری دوباره سر بلند میکنند. ظاهرا عقربه ها به عقب باز میگردند!

در ایران «بحران کرونا»، بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و نفرت مردم محروم از حاکمیتی که جز سرکوب و توحش و فقر و نا امنی ارمانی برایشان نداشته را عمیقتر و گسترده تر کرده است. اعتراضات و اعتصابات کارگری بر سر معیشت، بر سر حفظ امنیت بهداشتی در مقابل کرونا، اعتراض به تعرض جدید حاکمیت زیر لوای «تعیین دستمزد سالانه»، اعتراض کارگران، معلمان، دستفروشان و ... دوباره از سر گرفته و در جریان است. هیچ بحران و «بلای طبیعی» نمیتواند جدال طبقاتی را برای مدت طولانی متوقف کند.

در عراق دولت حاکم خود را برای مقابله با موج جدیدی از اعتراضات وسیع و توده ای آماده میکند. خیزش برای رفاه، آزادی و علیه قومی و مذهبی کردن جامعه و برای سرنوشتی کل طبقه حاکم دوباره سر بلند کرده است. در چند روز گذشته بغداد، علیرغم ممنوعیت رفت و آمد، شاهد اعتراضات توده ای و درگیری میان تظاهرکنندگان و نیروهای سرکوب بود. مردمی که بدون کمترین امکانات و بی دفاع از مقابل ویروس کرونا رها شده اند، مردمی که «بحران کرونا» زندگی شان را تهدید میکند و «بحران معیشت» شان را صد برابر کرده است را نمیتوان با پزهای «برای حفظ زندگی تان در خانه بمانید» در خانه هایشان زندانی کرد. مردم محروم و طبقه کارگر دو راهی «مرگ بر اثر کرونا یا گرسنگی» را قبول نمیکند، راه سوم، راه پایان دادن به این وضعیت و مسببین واقعی آن راهی است که مردم محروم عراق انتخاب کرده اند.

در لبنان مردم معترضی که بیش از یکسال خیابانهای بیروت را به

تصرف خود در آورده بودند و حاکمیت موزائیکی قومی-مذهبی را با بحرانی عمیق روبرو کرده بودند، اینبار و علیرغم «ممنوعیت های کرونایی» حاکم، با شعار «از گرسنگی می میریم یا کرونا؟» دوباره به خیابانها آمده و با نیروهای سرکوب درگیر شدند.

در تل آویو هزاران نفر در اعتراض به تشکیل دولت ائتلافی نتانیاهو و بنی گانتز، از تلاش نتانیاهو در سوء استفاده از بحران کرونا برای فرار از روند قانونی رسیدگی به اتهامهای فساد مالی اش دست به تجمع زدند.

فرانسه، قلب تپنده اعتراضات اجتماعی در اروپا، دوباره شاهد اوجگیری اعتراضات جلیقه زردها است. اعتراضاتی که اینبار قوی تر و گسترده تر، نه فقط علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی ماکرون، که علیه تحقیر شهروندان، علیه تبعیض در حفظ جان شهروندان و عدم رسیدگی به وضعیت بهداشتی بخشهای محروم جامعه، علیه خشونت پلیس، علیه سیاست وقیحانه «اتحادیه کارفرمایان» برای شکستن بار بحران اقتصادی بر دوش طبقه کارگر و اعلام «ضرورت از خودگذشتگی و کار بیشتر کارگران برای جبران خسارات اقتصادی»، بورژوازی حاکم در فرانسه را به جنگ میطلبند. پاریس سه شب است شاهد تظاهرات و درگیری میان جوانان معترض و نیروهای پلیس است. بحران کرونا، ناتوانی دولت در مقابله با این بحران، تاثیرات سالها تعرض به خدمات اجتماعی و پزشکی، بخشهای وسیعتری از مردم، از کارگران و سازمانهای کارگری تا کارکنان بخشهای درمانی، پرستاران را به جلیقه زردها ملحق کرده است. سندیکاها کارگری از امروز خود را برای تسخیر خیابانها پس از پایان قرنطینه آماده میکنند.

هشدار دستگاه اطلاعاتی فرانسه و بریتانیا به «خطر شورشهای پسا کرونا»، به رادیکال شدن اعتراضات موجود، به خشم جامعه از ناتوانی دولتهای حاکم در حفظ زندگی شان، خشم مردم از «ناتوانی دولتها در مدیریت بحران کرونا» و ضرورت «آمادگی رودرویی با جامعه ای عصیان زده و معترض»، گوشه ای از آمادگی بورژوازی برای جدالهای اجتماعی پسا کرونا است. سر بلند کردن اعتراضات توده ای و رادیکال، آمادگی بورژوازی برای مقابله با آن از حالا مختصات جهان پس از کرونا و تقابلهای اجتماعی و طبقاتی آنرا ترسیم میکنند.

اضافه شدن میلیونها نفر به ارتش بیکاران، افزایش میلیونی فقر و محرومیت در کنار عریان شدن هرچه بیشتر ابعاد تعرضی که بورژوازی طی چند سال گذشته به سطح معیشت اکثریت جامعه، آشکار شدن عمق کثافت و ضدیت کاپیتالیسم با زندگی، رفاه و سعادت شهروندان، آتش خشم و نفرتی جهانی را دامن خواهد زد. پشت پرده «بحران» و «شوک کرونا» زمزمه های شکست سیاسی ایدئولوژیک بورژوازی و بیداری طبقاتی را میتوان شنید.

مصوبه دستمزدها و حمله دولت نباید بی پاسخ بماند!

کارگران! مجامع عمومی خود را برگزار کنید.

قدرت ما در اتحاد و همبستگی ما است!

قدرت طبقه کارگر در رجوع مستقیم به

آراء خود در مجامع عمومی است!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

مجمع عمومی، نماینده مستقیم کارگران

ایران در قرق بسته‌های هردنبیل هر از چندگاه خیرات و صدقه

در دفاع از نان، در دفاع از کرامت انسانی!

مردم، خیرات و صدقه بس است، حق و زندگی را از گلوی جمهوری اسلامی بیرون بکشیم!

مصطفی اسدپور

«رزمایش کمک مومنانه» به حمله سازمان یافته و سراسری به معیشت و همزمان به حرمت انسانی و اجتماعی توده زحمتکش تبدیل شده است. اپیدمی کرونا و استتکاف رسمی دولت از تامین زندگی و سلامتی توده مردم زحمتکش جامعه را با سراسیمگی معیشت روبرو ساخته است. توده زحمتکش ایران در قرق قحطی و گرسنگی و بیماری است. بجای نقشه و مسئولیت و حساب پس دادن، ایران را در بسته های هردنبیل هر از چند گاه خیرات و صدقه غرق کرده اند. میلیونها نفر پس از چند ماه قحطی و قرنطینه چشم به دوره ای به همان اندازه تاریک و نامعلوم برای تامین معیشت باز میکنند، دولت آنها را به کیسه ای سربسته حواله میدهد که شاید چیزی برای جویدن در آن یافت شود. میلیونها نفر در حسرت وسیله دفاع در مقابل بیماری میسوزند، دولت آنها را به ماسک های کذایی «تولیدات» بسیج مساجد حواله میدهد. دولت در مقابل دستمزدها و بیمه بیکاری؛ در زمینه اشتغال و بیمه ها و بهداشت و مسکن از هر مسئولیتی شانه خالی میکند، دولت هر روز بیش از پیش به یک هنبونه دروغ و یاوه سرایی پوست میاندازد، و با سرعتی بیشتر زندگی مردم را به بازیچه مالیخولیای «جهش تولیدی» از طریق «کمک های مومنانه خیران در ماه مبارک» تبدیل میسازد. جامعه ایران، قریب پنجاه میلیون عضو خانواده زحمتکش در «زندان نان» جمهوری اسلامی کورمال، کورمال با تباهی دست و پنجه نرم میکنند، حاکمان و طبقه حاکمه، داستان «زحمتکشان عزیز و صبور و سپاسگزار» را در سر میپرورانند. دولت سرگردنه معیشت به کمین نشسته است و در ازاء نان، چاقو به گردن حرمت و کرامت اجتماعی رهگذران سراسیمه گذاشته است.

کمک های ناچیز جمهوری اسلامی، حتی قطره ای در مقابل دریای عظیم نیازهای مردم هم نیست. اینرا خودشان هم خوب میدانند. این دولت در مقابل جبران مافات و غرامت خسارات وارده، در جبران خون بهای کشته شدگان مسئول است. اما خود را به نفهمی میزند. این همه قیل و قال از طرف دولتی است که از بازماندگان جهنم اسلامی کرونا طلبکار است، مردم را شایسته چیز بیشتری از ته مانده بودجه، انتظار بیشتری جز از خیرات و ترحم نمیداند.

امروز در ایران نه فقط نان، بلکه بیشتر از آن شرافت و حرمت انسانی است که خود را به در و دیوار میکوبد. نیاز این مردم هر چقدر هم حاد و ضروری باشد، اما نباید بر حرمت آنها خدشه وارد آورد. از طرف دولت همه این مراسم فقط یک فستیوال نکبت و نفرت زده در خلع ید جامعه از حق و حق طلبی در دوره پس از کرونا است. نیاز این مردم هر چقدر ضروری و حیاتی که باشد، همیاری مستقل مردمی هر چقدر مهم که باشد؛ اما باید و نمیتواند چشم بر دو جنبه اساسی ببندد:

اولا، در حقیقت و بسادگی این دولت وزارت کار، موسسات مسئول هستند که دارند گدایی میکنند، بدون ذره ای شرم وظیفه خود را به گردن مردم میاندازند؛ در یوزگی و بی عرضگی خود را در کمال پست فطرتی بر روی جامعه استفراغ میکنند.

ثانیا، این وضعیت جزیی از بردگی و بی حقوقی کارگران و زحمتکشان جامعه در حکومت سرمایه و در خدمت بهره کشی و استثمار طبقه کارگر است. کمک و همیاری موثر و اساسی ما در تقویت مبارزه مشترک بر علیه دولت، در همبستگی و حق طلبی ما در برخورداری از معیشت، مسکن و رفاه است.

رزمایش و نمایش کمک های خیرات منشانه دهن کجی به نیازهای فوری و حیاتی مردم نیازمند و لگدی است که جمهوری اسلامی به حق و حقوق و انتظارات همه مردم زحمتکش میزند. باید در مقابل آن متحذانه صف بست. صف متحذانه در مقابل تعرض و تحقیر جمهوری اسلامی در گرو شوراها و مردمی محلات متکی به مجمع عمومی است که در آن:

اولا، تمام کمک های ارسالی توسط کمیته انتخابی محل صورت میپذیرد. این کمک ها باید کنترل و بازرسی شود. چندی آور است که درب خانه انسانها انبار تحویل «هر چه آید، خوش آید» فرض میگردد. دولت بیجا میکند، منت ممنوع! اسب پیش کشی بی فایده را باید به کول دولت فرصت طلب بست!

ثانیا، برای دولت کمک های دریافتی ضمانتی است که نیازهای واقعی انسانها را بی اعتبار میسازد. چندی آور است با هر کیسه «اهدایی» انبوهی سجده و تکریم و تسلیم مطالبه میگردد. هر کمک و هر قدم در جهت منافع واقعی مردم محلات را باید با چند قدم در راه همبستگی و اتحاد و حق طلبی ساکنین همراه کرد.

کسی که میخواهد بداد و به درد مردم برسد فکری بحال برق مجانی، کرایه خانه مجانی، سر و سامان فاضل آب محله، یک رختشویخانه عمومی، مهد کودک و ... کند.

مسخره است، در یک چشم بهم زدن هر آنچه از تمدن هست را با یک مسجد و یک کدخدا عوض کرده اند. دوباره بساط بسیج پهن شده است. تمدن و دولت و سازمان اجتماعی جای خود را به وانت باری داده است که میتواند از راه برسد... یا نرسد. معیشت یک باره از دستمزدها و از بیمه بیکاری خط خورد، دولت و وزارت کار و وزارت بهداشت دود شد و هوا رفت؛ رزمایش، آنها هم به همت کمک های مومنانه جای آن نشست!

کارگران و مردم زحمتکش!

از هستی و ارزش های انسانی خود دفاع کنیم. نبرد خیزش بنزین، نبرد دستمزدها یک آن دم و باز دم آن جامعه را باز نمیگذارد.

متحد شویم و با تشکیل مجامع عمومی نیروی خود در محلات را متحد کنیم. با حق طلبی خود راه به جلو باز کنیم.

کارگران و مردم زحمتکش!

از هستی و ارزش های انسانی خود

دفاع کنیم. نبرد خیزش بنزین، نبرد

دستمزدها یگان دم و بازدم آن جامعه را

باز نمیگذارد.

متحد شویم و با تشکیل مجامع عمومی

نیروی خود در محلات را متحد کنیم. با

حق طلبی خود راه به جلو باز کنیم.

International
Workers of the world, unite!
You have nothing to lose but your Chain!

حزب کمونیست کارگری حکمتیت (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

خدايان تخریب جوامع بشری اند؛ قدرت تخریب اینها با یک نگاه سریع به زرادخانه‌های اتمی‌شان را نباید دست‌کم گرفت. اما قضیه تنها به اینجا ختم نمی‌شود. اپوزیسیون راست تصمیم خود را گرفته است که کماکان همان نسخه ایرانی یک «آمریکایی بی‌مخ و عقب‌مانده» باشد. خصلت آنتی کمونیستی غلیظ این اپوزیسیون بی‌جهت نیست؛ در خون‌شان است؛ اینها در همان فضای دوران جنگ سرد و تبلیغات جنگ سردی فریز شده‌اند. خط و خصلت شعبان بی‌مخ این اپوزیسیون، امکان هر نوع دیالوگ جدی با «عاقلان» شان بر سر آینده جهان و ایران را سلب کرده است؛ در حالی که سه دهه از تبلیغات جنگ سردی کمپ پیروز آقای افشاری می‌گذرد، در حالی که همه داعیه‌ها و اتهامات کثیف علیه کمونیسم و سوسیالیسم، توسط کمپ پیروز آقایان، به بایگانی سپرده شده است، وقتی که ترس از بازگشت مارکس و عروج دوباره لنین و انقلاب اکتبر در قلب اروپا و آمریکا سرفصل فایننشال تایمز و اکونومیست میشود، دیگر اطلاق و سنجاق دولت چین به کمونیسم و دست در کیسه تبلیغات نخنمای جنگ سردی علیه سوسیالیسم، چیزی جز این حکم نیست که کمونیسم تنها انتخاب است!

دوران پسا کرونا، دوران تعرض طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه به ساحت مقدس سرمایه است؛ شبح این تعرض از ایران بعد از آبان ۹۸ تا عراق، لبنان، فرانسه و شیلی شروع شده است. کرونا هرچند وقفه‌ای کوتاه مدت در مسیر این تعرض ایجاد کرد اما چنان چهره کریه مناسبات جهانی سرمایه داری علیه بشریت را از ته منجلا ب بالا آورد که جای هیچ ابهام و توهمی به ادامه این نظم و نظام نزد اکثریت مردم جهان باقی نگذاشته است. اپوزیسیون راست هم مانند رژیم اسلامی، خوب گوشش را به زمین چسبانده است. جایگاه قدرتمند طبقه کارگر و نقش کمونیسم در تحولات ایران را بو کشیده است؛ اینها همه با هم صدای پای یک گردان قدرتمند از پایین جامعه ایران به سمت کاخ طبقه حاکم را میشنوند؛ این اپوزیسیون از هم اکنون انتخاب کرده است که در رکاب قداره‌بندان حاکمیت، به یک هدف مشترک که چیزی نیست جز ضدیت با کمونیسم و آرمان برابری طلبی، خدمت کنند. مصاف آتی مصاف کمونیست‌ها و طبقه کارگر، مصاف مدافعان سرسخت حاکمیت شورایی با کل این جبهه ارتجاعی است؛ مصاف بر سر رفاه، آزادی، برابری و سوسیالیسم است. تکلیف بلاتکلیفی جهان امروز را رقابت و جنگ ابرقدرت‌های سرمایه داری علیه هم تعیین نمی‌کند، بلکه زور و نیروی مردم و طبقه کارگر روشن خواهد کرد. خشم میلیاردری از فقر، بیکاری، بن‌بست اقتصادی، و عدم سلامت و امنیت در زندگی، مواد و مصالح کافی برای یک انقلاب اکتبر دیگر در قرن ۲۱ را مهیا کرده است. باید این ملات را متشکل و متحزب کرد. عمر تبلیغات جنگ سردی علیه کمونیسم، عمر حواریون ترامپ و رژیم اسلامی، طولانی مدت نیست. تاریخ را آنها نمی‌سازند.

بقصد ماندن در صحنه، حتی به قیمت ارتقاء مقام‌شان به آبدارچی ترامپ، ستودنی است؛ مقاومت این اپوزیسیون چقدر شبیه استقامت آن طیف دوخردادی و اصلاح‌طلب و توده‌ای - اکثریتی به رهبری خاتمی است! آنها هم از ترس حذف شدن کامل از تصویر جامعه، حاضرند هر روز در مقابل مقام معظم دولا و راست شوند. تا اینجا، شباهت‌ها دیدنی است.

هفته گذشته در مطلبی تحت عنوان «فیل‌ها یاد هندوستان می‌کنند»، گفتیم که اپوزیسیون راست در پوشش «مبارزه با کرونا»، موقعیت هیپروتی و رو به افول خود را توجیه میکند و پشت ترامپ و «فاکس نیوز» سنگر گرفته و رو به جهان متمدن تیراندازی و ایجاد تنش میکند. در کمال خونسردی پشت تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه مردم ایران، مردمی که زیر بار فشارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی حکومت اسلامی در حال خفه شدن هستند، خبردار ایستاده است. گفتیم که چگونه موقعیت این اپوزیسیون، همیشه تابعی از موقعیت آمریکا در جهان بوده است.

هنوز یک هفته نگذشته بود که آقای علی افشاری از جبهه جمهوریخواهان به صورت ناشیانه‌ای بند را آب داد و باد در غیغب اعلام کرد که تمام مشکلات جهان زیر سر «چین کمونیستی» است و دنیا دارد با آن تسویه حساب می‌کند!!

همه میدانند که پشت این نوع پروپاگاندا و پاپوش‌دوزی، جنگ تبلیغاتی ترامپ علیه چین در جریان است؛ و جنگ اقتصادی این دو ابرقدرت با صدمن سریش هم به ضدیت تاریخی آمریکا با بلوک شرق و دول ظاهرا «کمونیستی» آن زمان نمی‌چسبد؛ حسرت بازگشت به دوران جنگ سرد و شانناژهای ضد کمونیستی را تنها طرفداران ابله‌تر از ترامپ یعنی Redneck‌های آمریکایی باور میکنند؛ آقای افشاری و طیف جمهوریخواهان ترجیح داده‌اند که در همان «دوران خوش» جنگ سرد سیر و سیاحت کنند؛ یعنی زمانی که آمریکا برای مقهور کردن جهان، و اعمال هژمونی خویش، مردم هیروشیما و ناکازاکی را توسط بمب‌های اتمی پودر کرد. قافله اپوزیسیون راست بدشان نمی‌آید که ترامپ دو تا بمب اتم هم روی سر مردم و طبقه کارگر چین خالی کند.

امروز اگر دنیا دارد اقرار می‌کند که همه قطب‌ها و الگوهای اقتصادی - ایدئولوژیک سرمایه داری - آنهم در متاخترترین نوع آن در جهان معاصر یعنی در خود آمریکا - به گل نشسته است اما راست‌های ایرانی همه از دم، دایره و دنبک «جنگ» و «مقاومت» علیه چین بدست گرفته‌اند و پشت سر ترامپ ورد و افسون می‌خوانند. از احزاب ناسیونالیست کرد تا سلطنت‌طلبان و جمهوریخواهان و مجاهد و فرشگرد، روی همین رقابت اقتصادی آمریکا با چین و عربده‌های جنگی و نژادپرستانه ترامپ سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در انتظار معجزه از طرف دولت آمریکا، هر کدام سازی می‌زنند؛ درحالی که جهان هنوز از شوک ناشی از کرونا کمر راست نکرده است، درحالی که جهان کماکان انگشت اتهام را به سوی دولتها نشانه رفته است، درحالی که جهان علیه حاکمان، آستان تحولات زیر و رو کننده بر سر دفاع از استناداردها و ارزش‌های انسانی است و در کمین جارو کردن ترامپ‌ها، خامنه‌ای‌ها، جانسون‌ها، پوتین‌ها و جین‌پینگ‌ها است، اما اپوزیسیون راست ایرانی دخیل خود را به کشمکش قدرت‌های سرمایه داری علیه هم، به جنگ و تحریم و ایجاد تنش در جهان توسط آمریکا علیه رقبای خود بسته است. و این تنها راه بقا‌شان است. بند ناف این طیف به امثال تاچرها، بوش‌ها و ترامپ‌ها، پینوشه‌ها و یلتسین‌ها و نتانیاهوها وصل است. اینها تاریخا نشان داده‌اند که

قدرت طبقه کارگر در شکل و تحزب اوست!

با شکست بلوک شرق، تناقضات درونی بلوک پیروز چشم باز کردند؛ قرار بود دنیا تحت رهبری بازار آزاد، دنیای صلح و دوستی باشد، اما نشد، چون سازماندهی جنگ برای تأمین هژمونی امریکا ضرورتی سیاسی اقتصادی شد و به دنبال آن جوامع متعددی میدان کشتار و سازماندهی مخوف ترین باندهای کشتار جمعی شدند. جنگ جهانی در سوریه آخرین نمونه آن است که اخیراً دهمین سال خود را پشت سر گذاشت. قرار بود رفاه و خوشبختی تمام قاره های جهان را در تسلط خود بگیرد. اینهم نشد چون تولید برای سود معیار و قطب نمای رشد و شکوفایی اقتصاد شد.

قرار بود حقوق بشر موقعیت دیگری پیدا کند. اینهم نشد، به این دلیل ساده که در بازار سود و رقابت های سیاسی اقتصادی و نظامی، حقوق بشر ابزاری در خدمت آن جنگ و رقابت های موجود تبدیل شد. دمکراسی به عنوان گل سر سبد این نظام هم سالهاست نزد میلیون ها مردمی که رای نمیدهند، بی اعتبار و بی ارزش، کارایی خود به عنوان ابزار خرافه عوام را از دست داده است. تعداد جوامعی که صندوق های رای شان، علیرغم تبلیغات عوامفریبانه میلیونها دلاری، در اوج «آزادی» کم مشتری میمانند، پرشمار اند.

قرار بود حرمت انسان و ارج و قرب آن بالا رود. در مقابل، سالهای گذشته بزرگترین تعرضات بازار آزاد به محیط زیست این انسان و این کره خاکی اش، سرنوشت زندگی هر نوعی از موجود زنده در آن را در هاله ای از ابهام فرو برده است. آنچه گفته شد فقط تکرار مکرر ادعاهای ما کمونیست ها در تمام این چند دهه نیست، فاکت های جهان امروزند. آنچه که امروز و در متن معضل کرونا رخ میدهد، نه فقط یک بحران صرف اقتصادی ویرانگر، نه فقط یک بن بست تمام عیار سیاسی جهان سرمایه داری، که یک شکست ایدئولوژیک و یک کولیس مفتضح اخلاقی تمام عیار لیبرالیسم، نتولیبرالیسم و سیستم ایدئولوژیک آن است. در دوران جنگ جهانی همین طبقه های امپریالیستی، تمام صنایع مهم آن روز، به دستور قدرت های جنگ طلب، به سرعت برق، خطوط تولیدشان در خدمت تأمین نیازهای جنگ و کشتار میلیونی سازماندهی شد. امروز اما هیچ قدرتی حاضر به سازماندهی حتی بخش کمی از پیشرفت تکنولوژی در خدمت تأمین نیازهای بهداشت و رفاه انسان نیست. دلیل ساده است؛ تخصیص بودجه میخواهد، و سود سرمایه اجازه نمیدهد! نتیجتاً در دوره و زمانه ای که قدرت دانش و علم و تکنولوژی تا اوج بی نهایت پیشرفت کرده است، مردمان سرتاسر دنیا روزانه هزار هزار طعمه و بیروس اند.

دول سرمایه داری برای روز جنگ و کشتار انبارهای لایتناهی از موشک و بمب اتم و غیر اتمی ذخیره کرده اند. فکسنی ترین دولت های این جهان جهنمی صدها برابر شمار جمعیت کشورشان گلوله برای کشتارشان حاضر و آماده دارند، اما برای حفظ جان تک تک شهروندان در مقابل چنین بلایایی، فاقد ذخیره دارویی برای حتی یک روز دفاع از سلامت و بهداشت اند.

ضرورت انقلاب در وضع موجود

اخیراً تعدادی از سران و سخنگویان نظام حاکم بر جهان، از ضرورت تأمین نسبتی از عدالت و انسانگرایی و اصلاح نظام سیاسی اقتصادی موجود سخن میگویند. ادعای دروغین اینها اساساً ناشی از یک معذوریت اخلاقی در مقابل هیچ نکردن شان برای دفاع از سلامتی و بهداشت و محیط زیست و ول کردن سرنوشت بشر در دستان و بیروس کروناست. در غیر اینصورت، تغییر خط تولید تکنولوژی و صنایع در خدمت به تأمین محافظت از بهداشت و سلامتی، همین امروز یک نیاز فوری و غیرقابل تعویق در انجام یک وظیفه فوری و فوری است. اگر قدرت دست کارگر بود، اولاً ذخیره لازم برای تمام نیازهای بهداشتی و سلامتی را در انبار بیمارستان ها و در دسترس داشت. ثانیاً همین امروز خط تولید را در سطح جهانی بسوی تولیدات درمانی و بهداشتی

کانالیزه میکرد، به این دلیل ساده چون اقتصاد کارگری نه در خدمت کسب سود که در خدمت تأمین رفاه و زندگی است. اگر اقتصاد اینها بحران دارد و به بن بست رسیده است، به این دلیل ساده است که به زندگی انسان و رفاه و خوشبختی بیربط است. اقتصاد کارگر همین نیروی داوطلبانه کار است به اضافه تمام پیشرفت های علمی و تکنولوژیک بشر امروز، که توان تولید تمام امکانات خوشبختی را در بالاترین سطح خود داراست. در چنین سیستمی بحران و ناله از ناداری و ناتوانی غیرقابل تصور است.

در یک کلام؛ ویروس کرونا و مصیبت ظهور کرده عامل ناتوانی بشریت امروز نیست. آنچه که مصیبت است، سلطه بازار و سود و سرمایه بر سرنوشت بشر است که با ظهور ویروس کرونا، ناتوانی اش در تأمین نیاز بشر، بیش از پیش برملا شده است.

مصیبت بزرگتری در راه است؛ طبق حساب و کتاب و کتاب متفکرین همین سیستم، جهان پساکرونایی با بزرگترین بحران اقتصادی هشتاد سال گذشته روبروست. طبق برآورد همین ها، شمار بیکار شدگان بالای صدها میلیون کارگر کارکن امروز است. باز هم خود اینها حساب کرده اند که جهان سرمایه داری با موجی جهانی از شورش های اجتماعی روبروست. بیخود نیست هنری کیسینجر از متفکرین استراتژیست همین طبقه خطاب به حاکمان امریکا هشدار میدهد که باید به استقبال جهان پیچیده و ناروشن بعد از کرونا شتافت و خود را برای بزرگترین چالنج های پیش رو آماده کنند. بخش دیگری از متفکرین همین طبقه هشدار میدهند که جهان شاهد عروج راست و چپ افراطی میشود.

نکته ماقبل آخر

کرونا و جنگ سلامتی و بهداشت وقفه ای در جنگ هایی انداخت که صحنه سیاسی را به اشغال خود در آورده بودند؛ طغیان جلیقه زردها در فرانسه، شروع و مقدمه انقلابات در ایران و عراق و لبنان و شیلی و... نمونه های آن اند. با «عادی» شدن اوضاع و دستور حاکمین برای برگشت به خط تولید، تمام این جنبش ها سر جای خود حاضراند. اعداد های فله ای جمهوری اسلامی از اسیرانی که سالهاست اجرای حکم شان برای چنین روزهایی به تعویق انداخته شده است، هشدار از پیش داعش های شیعه به شورشگرانی است که دوره قبل نظام حاکم را در مسیر سرنوشتی قرار دادند. اینها با پیش بینی رخدادهای پساکرونایی تصمیم گرفته اند به جامعه اعلام کنند که در صورت تحرک به همین سادگی به جوخه های اعدام سپرده خواهند شد.

نکته آخر؛

کمونیسم یک گزینه واقعی، عملی و امکان پذیر در متن این بزرگترین بحران یک قرن اخیر است. ماحصل تمام بی آبرویی لیبرالیسم و بازار آزاد، ماحصل ناتوانی این سیستم در مقابل بلایی که به جان بشر افتاده است، یک شکاف عمیق بین بالا و پائین و یک بی اعتمادی تمام و کمال به سیستم حاکم است. مردمانی که زیر رگبار مرگ، امروز فرصت بیرون آمدن ندارند، فردا بیدار خواهند شد. وقتی این سیستم در مراکز اصلی قدرت خود با چالش جنبش های اجتماعی روبرو میشود، در جایی مانند ایران ناتوان از کسب مقبولیت برای حاکمیت خویش است. به زبان دیگر، امکان حضور قدرتمندتر کمونیسم در تحولات پیش رو در ایران، واقعی ترین و ممکن ترین مسیر در دسترس برای رهایی است. طبقه کارگر و در رأس آن رهبران و سازماندهندگان این طبقه در دوره آتی میتوانند تعیین کنند که با کدامین ریتم وارد این دوره میشوند و از همین امروز برای آمادگی این حضور چه وظایفی در دستور میگذارند. حزب حکمتیست این امر مقدس را اولویت تمام عیار خود میداند و تمام توان خویش را برای سازماندهی یک جنبش پر قدرت و پر زور بکار خواهد بست. طبقه کارگر ایران به حکم تجربه و تاریخ خویش میتواند شیپور شروع انقلابات کارگری در سطح جهانی را به صدا در آورد.

بنا به حقوق همایشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

هراس از شورش گرسنگان...

روز یکشنبه ۳۱ فروردین ۹۹ (۱۹ آوریل ۲۰۲۰)، شش زندانی محکوم به اعدام در زندان مرکزی سنندج جهت اجرای حکم به سلول های انفرادی منتقل شدند. روز سهشنبه ۲۱ آوریل، شایان سعید پور ۱۷ ساله را اعدام کردند. قبل از او مصطفی سلیمی در زندان سقر اعدام شد. هم زمان با این تهدیدات و کشتارها، اسماعیل عبدی، دبیر کانون صنفی معلمان بازداشت و به زندان اوین بازگردانده شد. این تهدیدها و کشتار برای زهر چشم گرفتن از جامعه در آستانه انفجار اجتماعی پسا کرونا در ایران است. جمهوری اسلامی همیشه از ضعیف ترین حلقه های جامعه شروع کرده است. زندانیان را سال ها در زندان نگه می دارند، از جمله شایان سعیدی ۵ سال و مصطفی سلیمی را ۱۷ سال بعنوان ذخیره نگه داشتند تا در چنین روزهایی برای ایجاد رعب و ترس در جامعه اعدامشان کنند. این زندانیان جزو آن حلقه های ضعیف اند که معمولاً مردم در موردشان حساسیت زیادی نشان نمی دهند. این ها را به نام قتل و قصاص و توزیع مواد مخدر و غیره و به بهانه این که شاکي خصوصی دارند، دار می زنند تا به مردم بگویند قوه قضائیه گناهی ندارد چون خانواده مقتول آنها را نبخشیده اند. و به این ترتیب جرم اعدام که قتل عمد است بر عهده خانواده مقتول می افتد. در شهر سنندج که در انتظار اعدام چند تن دیگر از این زندانیان است، هر از گاهی بخشی از مردم برای جلوگیری از قصاص دست به دامن خانواده های مقتول شده اند و بعضاً توانسته اند بخشی بگیرند. اما این حرکت انساندوستانه نتوانسته و نمی تواند ماشین اعدام را به بهانه های مختلف از جمله قصاص، متوقف کند. در شرایط امروز هم که بیماری کرونا جامعه را فلج کرده است، امکان اعتراضات اجتماعی و هر گونه تجمعی حتی از جانب خانواده و دوستان متهمان امکانپذیر نیست. در نتیجه رژیم با کم ترین واهمه و با توجیه قتل و قصاص، جرم اعدام که قتل عمد است را مرتکب می شود. جرمی که بدون شک در روز و ماه های پس از کرونا انتقامش را پس خواهد داد. مردم انتقام شان را خواهند گرفت. اعدام برای جمهوری اسلامی نه قصاص است و نه اجرای عدالت، بلکه یک ابزار

سیاسی است. در جوامع متمدن، برای جرم های جنایی، محاکمه در یک دادگاه عادلانه و چند سال زندان برای مجرمی که جرمش ثابت شده است، کفایت می کند. نگه داری یک کودک ۱۲ ساله در زندان تا در سن ۱۷ سالگی که هنوز نوجوانی است و اعدام او در چنین شرایطی، جز یک اقدام سیاسی برای مرعوب کردن جامعه معنای دیگری ندارد.

جمهوری اسلامی بدلیل کابوس خیزش های اجتماعی اخیر و اعتراف به خطر شورش گرسنگان، این بار پیشدستی کرده و با برگزاری رزمایش های بسیج و سپاه، ایجاد صدها پایگاه نظامی در جامعه، بازداشت مجدد فعالین سیاسی و مدنی و اعدام زندانیان، یک جنگ علنی را به جامعه اعلام کرده است.

این در حالی است که جامعه ایران بدون حمایت های مالی و معیشتی و با کم ترین امکانات بهداشت و درمان با بیماری مرگبار کرونا دست و پنجه نرم می کند. اما این جامعه ولو با دومیلیون کشته ای که حسن روحانی وعده داده، کمر راست کرده و هراس رژیم را به واقعیت تبدیل می کند. روزهای انتقام کشتارهای دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، مسافرین هواپیمای ساقط شده با موشک سپاه پاسداران، پریر شدن عزیزان بی پناه مردم در جنگ کرونا و بازداشت و اعدام زندانیان فرا می رسد. جنگ مردم ایران و جمهوری اسلامی جنگی آشکار و رو در رو و از هر دو طرف، اعلام شده است. تدارک و رزمایش و تهدید و تعرض جمهوری اسلامی با یک تعرض طبقاتی و اجتماعی چند ده میلیونی طبقه کارگر ایران و مردم ازادبخواه، پاسخ خواهد گرفت. شکی نیست!

پیام «بجنگ تا بکنگیم» مردم ایران در خیابان ها، پیشتر به گوش جمهوری اسلامی و کل نظامش رسیده است. پیامی روشن و بدون اما و اگر!

حکمتیت را بخوانید و آن را توزیع و پخش کنید!

نشریه حکمتیت حزب (نظری)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

Hekmatistx@

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

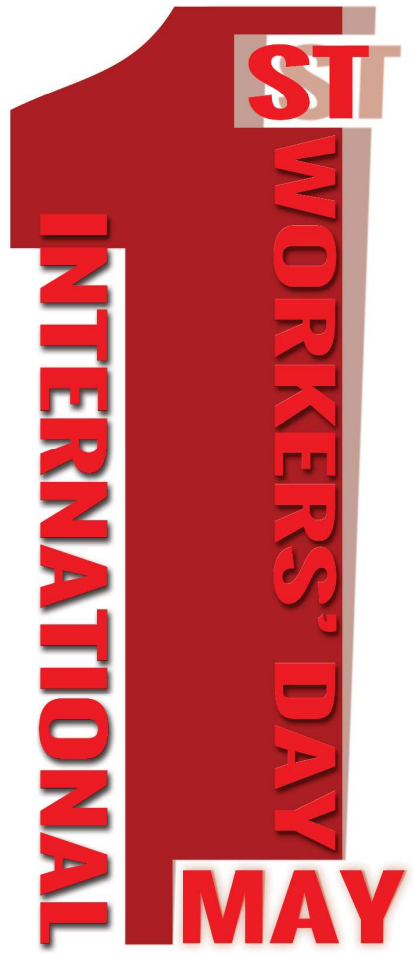
مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللہی



برای آزادی و برابری به حزب حکمتیت پیوندید